

هموارسازی سود؛ مروری جامع بر مفاهیم با تاکید بر تحقیقات داخلی و خارجی

علی ثقفی^۱، وحید محمدرضا خانی^۲

چکیده

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۵/۳۱

سود حسابداری به عنوان یکی از مهمترین معیارهای ارزیابی عملکرد و تعیین ارزش بنگاه اقتصادی تلقی می‌گردد که همواره مورد استفاده طیف وسیعی از استفاده‌کنندگان نظیر سهامداران، سرمایه‌گذاران، کارگزاران بورس و غیره قرار می‌گیرد. از آنجاییکه محاسبه سود بنگاه اقتصادی متأثر از روش‌ها و برآوردهای حسابداری است بدین لحاظ امکان دستکاری سود توسط مدیریت وجود دارد. با توجه به اهمیت سود، موضوع هموارسازی مورد توجه محققان و دست‌اندرکاران حرفه حسابداری قرار گرفته است. هدف هموارسازی سود ایجاد رشد ثابت و کاهش نوسانات سود می‌باشد. هدف این مقاله مروری جامع بر مفاهیم هموارسازی سود شامل فرضیه، انگیزه و ابزارها با تاکید بر تحقیقات داخلی و خارجی صورت گرفته در این زمینه می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: هموارسازی سود، فرضیه هموارسازی سود، انگیزه‌های هموارسازی سود، ابزارهای

هموارسازی سود.

طبقه‌بندی موضوعی: M41

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ استاد حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، (iranianaa@yahoo.com)

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، نویسنده مسئول، (mohammadrezaei09@gmail.com)

مقدمه

مهمترین خروجی سیستم حسابداری به عنوان یک سیستم اطلاعاتی و زیر مجموعه سیستم اطلاعاتی مدیریت، گزارش‌های مالی است که مهمترین هدف این گزارش‌ها فراهم کردن اطلاعات لازم برای ارزیابی عملکرد و توانایی سودآوری بنگاه اقتصادی است. یکی از اقلام حسابداری که در گزارش‌های مالی (صورت سود و زیان) تهیه و ارائه می‌شود، سود خالص است که کاربردهای متفاوتی دارد. معمولاً سود به عنوان مبنایی برای محاسبه مالیات، عاملی برای تدوین سیاستهای تقسیم سود و راهنمایی برای سرمایه گذاری و تصمیم گیری صحیح و بالاخره عاملی برای پیش‌بینی به حساب می‌آید. به دلیل اهمیت سود شرکت برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، مدیریت سعی می‌کند مبلغ و نحوه ارائه سود شرکت را بهبود بخشد. یکی از روش‌های بهبود ارائه سود، هموارسازی سود است (رستگار پویانی، ۱۳۸۷).

هموارسازی سود به رفتار آگاهانه‌ای اطلاق می‌شود که به منظور کاهش نوسان‌های دوره‌ای سود، شکل می‌گیرد. پژوهشگران زیادی بر این باورند که سرمایه‌گذاران، ترجیح می‌دهند در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که از روند ثابت سودآوری برخوردار باشند. همچنین آن‌ها معتقدند که سود هموارتر نشانه‌ای از ریسک کمتر و سود با کیفیت‌تر می‌باشد. همین امر انگیزه‌ای برای شرکت‌های دارای سودهای پرنوسان است، تا به منظور نشان دادن تصویری باثبات از روند سودآوری و کسب بازده بالا در چهار چوب اصول پذیرفته شده حسابداری اقدام به هموارسازی سود نمایند.

هدف این مقاله مروری جامع بر مفاهیم هموارسازی سود شامل فرضیه، انگیزه و ابزارها با تاکید بر تحقیقات داخلی و خارجی صورت گرفته در این زمینه می‌باشد. از این رو در این تحقیق به تشریح هموارسازی، ریشه هموارسازی سود، فرضیه هموارسازی سود، انواع هموارسازی سود و سپس ابزارها و تکنیک‌های هموارسازی پرداخته می‌شود.

تعریف هموارسازی سود

در فرهنگ حسابداری کهلر^۱ تعریف هموارسازی سود این گونه بیان شده است:

"هموارسازی سود عبارت از هر شیوهی طراحی شده به منظور حذف بی‌نظمی داده‌های مربوط و افزایش و کاهش غیرمعمول در آن‌ها که می‌تواند در نتیجه‌ی شرایط غیرمستمر عملیاتی باشد، است."

در فرهنگ حسابداری نوروش مفهوم هموارسازی سود این‌گونه بیان شده است:

"مدیریت برخی از واحدهای تجاری با استفاده از ابزارهایی همانند روش‌های حسابداری، نسبت به هم‌سازی و هموارسازی سود دوره‌های مختلف حسابداری اقدام می‌ورزند و سود واقعی را بدین ترتیب دستکاری و هموار می‌سازند."

در ارتباط با هموارسازی سود تعاریف متعددی نیز توسط صاحب‌نظران و پژوهشگران حاضر در امور حسابداری و مالی ارائه شده است که هر چند این تعاریف از برخی جهات باهم تفاوت‌هایی دارند، اما در کل از نظر مفهومی و محتوایی به هم شبیه بوده و همگی بر اقدام برای تغییر در سودهای گزارش شده تأکید دارند. در ادامه به برخی از این تعاریف اشاره می‌شود.

از نظر هپ ورث (۱۹۵۳)، هموارسازی سود عملی سفسطه‌آمیز و رندانه است که در محدوده‌ی اصول و استانداردهای حسابداری صورت می‌گیرد. بیدلمن (۱۹۷۳) نیز هموارسازی سود را تلاش اعمال شده توسط مدیریت جهت کاهش تغییرات غیرعادی در سود و در قالب اصول حسابداری تعریف می‌کند.

موسس (۱۹۸۷) بیان می‌دارد هموارسازی سود، تلاش مدیریت برای کاستن از نوسانات سود گزارش شده یا سود مورد انتظار است. رونن و سادن (۱۹۷۵) عقیده دارند هموارسازی سود، کاهش آگاهانه‌ی نوسانات سود در حدود سطحی است که برای شرکت، نرمال محسوب می‌گردد و بر ارزش سهام شرکت تأثیر مثبت دارد.

به‌طور کلی می‌توان هموارسازی سود را به‌صورت زیر تعریف کرد:

"هموارسازی سود اقدامی آگاهانه و عالمانه جهت کاهش نوسان‌های سود گزارش شده در طول دوره‌های متوالی در حول سطحی از سود که سطح عادی (نرمال) سود شرکت نامیده می‌شود، است."

تاریخچه هموارسازی سود

زمینه‌های باور داشتن مدیریت سود را باید با جستجوی واژه‌ی هموارسازی رهیابی کرد. فرهنگ حسابداران آن را هر گونه رفتار طراحی شده برای رفع نامنظمی در داده‌ها تعریف کرده است. کوشینگ (۱۹۶۹) و داشر و مالکم (۱۹۶۶) می‌نویسند: "گوردون و همکاران (۱۹۶۶) اولین کسانی هستند که هموارسازی سود را با پژوهش میدانی تجربه کرده‌اند." ایمهف (۱۹۷۷) مقاله‌ی هپورث (۱۹۵۳) را اولین تبیین نظری هموارسازی سود می‌شناسد. رانن و سادن (۱۹۸۱) و اکل و داران (۱۹۸۲) دانشمندانی هستند که از هپورث به عنوان نخستین معرف هموارسازی سود یاد کرده‌اند.

از بیان نویسندگان جدید چنین برمی‌آید که قبل از هپورث، هموارسازی سود در ادبیات حسابداری ناشناخته بوده است، اما بوخمستر (۱۹۹۲) با ترجیح مفهوم هموارسازی سود به جای عبارت هموارسازی، نوشته‌های پیشین را مورد بررسی قرار داده و با اشاره به ۳۴ مقاله یا کتابی که طی سال‌های ۱۸۹۳ تا ۱۹۵۳ نگارش شده است، می‌نویسد: "ریشه‌های اندیشه‌ی هموارسازی سود به‌طور صریح و یا ضمنی در ادبیات پیشین حسابداری آمده است." در قرن نوزدهم منابعی را می‌توان یافت که به خواص هموارسازی پرداخته‌اند. جانسون در سال ۱۹۰۶، ورشو در سال ۱۹۲۴، پیتون در سال ۱۹۳۲ و دوین در سال ۱۹۴۲ کاربردهای نظریه‌ی هموارسازی را شرح داده‌اند. هم‌چنین سال‌ها پیش از گوردون، ها روتیز و همکاران رفتار هموارسازی سود را آزمون نموده‌اند (بهارمقدم و حسینی، ۱۳۹۱).

در اوایل قرن بیستم ارتباط هموارسازی سود و حفظ سرمایه^۲ و اندوخته‌ی مخفی^۳ مورد بحث بوده است و در ربع دوم این قرن بررسی ویژگی‌های هموارسازی به کمک روش‌های ارزشیابی موجودی کالا (مانند تفاوت روش اولین صادره از آخرین وارده با دیگر روش‌ها) رواج داشته است. بعد از جنگ جهانی دوم، هیئت اصول حسابداری^۴ در آمریکا همراه گروهی از پژوهشگران به روش بد حسابداری^۵ یعنی ایجاد دلخواه اندوخته‌ها پرداختند. پیتون (۱۹۹۰) به استفاده از اقلام تعهدی و تغییر روش استهلاك برای هم سطح نمودن سود^۶ اشاره دارد و اندرسن (۱۹۹۲) با استفاده از اندوخته‌ی جبران زیان‌های احتمالی به منظور برابری سود به مخالفت برخاست. هم‌چنین کمیته‌ی روش‌های حسابداری، استفاده از اندوخته‌ها را به‌عنوان ابزار هموارسازی سود تحریم نمود (آقایی و کوچکی ۱۳۷۵).

در دهه اخیر تحقیقات در زمینه هموارسازی سود بیشتر به سمت و سوی تعیین اثرات آن بر کیفیت گزارشگری مالی و محتوای اطلاعاتی آن سوق پیدا کرده است؛ به عنوان مثال تاکر و زاروین (۲۰۰۶) با تکمیل و توسعه مدل کالینز و همکاران (۱۹۹۴) که فرض اساسی آن این است که تجدید نظر سهامداران از انتظاراتشان در ارتباط با سودهای آتی در تجدیدنظر آنها در ارتباط با درآمدها خلاصه شده است، مدلی را ارائه کردند که بر اساس ترکیبی از داده‌های سری زمانی - مقطعی برآورد می‌شود. نتیجه تحقیق این پژوهشگران در ارتباط با تأثیر هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی سودها در خصوص پیش‌بینی سودها و جریان‌های نقدی آتی، نشان می‌دهد که هموارسازی به بهبود محتوای اطلاعاتی سودها کمک می‌کند.

فرضیه‌ی هموارسازی سود

مفاهیم سود در رویکرد عمل‌گرایانه^۷ به آثار رفتاری ناشی از گزارش‌های مالی توجه دارند. هموارسازی سود نیز از آن جمله است. یعنی مدیریت با بهره‌گیری از روش‌های گوناگون حسابداری، سعی دارد سودها را یکنواخت گزارش نماید. بلکویی (۱۹۸۴) آن را عادی جلوه دادن عمدی سود به منظور دست‌یابی به روند یا سطح دلخواه، تعبیر می‌نماید. هپورث (۱۹۵۳) عقیده دارد استفاده از بسیاری از تکنیک‌های حسابداری که تخصیص سود خالص به دوره‌های متوالی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، به منظور هموارسازی نوسانات سود خالص صورت می‌گیرد. کولپند (۱۹۶۸) نیز بیان می‌کند هموارسازی سود مستلزم انتخاب روش‌های حسابداری و یا قواعد گزارش‌گری در چارچوب الگوی خاصی است که اثر آن، فرایند گزارش سود با پراکندگی کمتر خواهد بود، نسبت به فرایندی که احتمالاً با استفاده از روش‌های دیگر آشکار خواهد شد.

گوردن و همکاران (۱۹۶۶) نیز گزارش کردند که اگر زمانی که مدیران روش خاصی از روش‌های حسابداری برمی‌گزینند، پراکندگی سودهای گزارش شده کم شود، نتیجه هموارسازی سودها است. آن‌ها یادآوری نمودند، مدیران در حدود قدرت‌شان که ناشی از آزادی عمل در چارچوب اصول و روش‌های پذیرفته شده حسابداری است، نرخ رشد سودهای گزارش شده را هموار می‌سازند. شیف (۱۹۶۶) نیز بیان کرد، بولدینگ سال‌ها پیش گزارش کرده است که ویژگی ترازنامه آن است که در آن مقادیر دلخواهی از اقلام گوناگون وجود دارد، با ایجاد هر گونه بی‌نظمی در ساختار اقتصادی، استفاده از نیروهای هموار سازنده موجب

تجدید وضع قبلی می‌شود. بنابراین می‌توان ادعا کرد که حسابداران دارای نیروی هموارسازنده سود هر سهم می‌باشند و با بهره‌گیری از استانداردهای حسابداری، گزارش سود به صورت ارقام ثابت و یا دارای روند صعودی برای آن‌ها آسان است.

بارنی و همکاران (۱۹۷۶) اظهار داشتند که هموارسازی ابزار مدیریت برای رسیدن به سود مورد انتظار در چارچوب اصول متداول حسابداری است. رونن و سادن (۱۹۸۱) نیز معتقدند فرضیه‌ی هموارسازی سود پیش‌بینی می‌نماید که چگونه سود گزارش شده برای کاهش نوسان‌ها در اطراف سطح عادی هموار می‌شود و یا به عبارت دیگر هموارسازی سود اقدامی است که مدیران برای کاهش پراکندگی سود گزارش شده نسبت به سود مورد انتظار انجام می‌دهند.

انگیزه‌های هموارسازی سود

انگیزه‌های گوناگون سبب پیدایش هموارسازی سود می‌گردد. هپ‌ورث (۱۹۵۳)، اصلاح روابط با اعتبار دهندگان، سرمایه‌گذاران و کارکنان و نیز کم کردن ادوار تجاری از طریق فرایندهای روانی، را یادآوری نموده است. ترومن و تیشمن (۱۹۸۸) در تشریح فایده‌ی هموارسازی سود برای شرکت‌ها آورده‌اند که، هموارسازی، واریانس سودهای مشاهده شده را می‌کاهد و بدین ترتیب هزینه‌ی استقراض شرکت را کاهش می‌دهد و بر روابط میان شرکت و مشتریان، فروشندگان و کارکنان اثر مساعد دارد. آن‌ها نشان داده‌اند که اگر مدیری بتواند سود یکی از دو دوره‌ی گزارشگری را تعیین کند، گزینه‌ای را ترجیح می‌دهد که به یک جریان هموار سود منتهی شود؛ این عمل را هموارسازی موقت سود^۱ می‌نامند.

گوردون (۱۹۶۶) برای توضیح انگیزه‌ی هموارسازی چهار فرضیه را بیان کرده است:

- ۱- معیار مدیران برای گزینش از بین روش‌های گوناگون حسابداری، حداکثر نمودن مطلوبیت یا رفاه مدیریت است.
- ۲- مطلوبیت یا رفاه مدیران تابعی از امنیت شغلی، سطح و نرخ رشد پاداش و حقوق مدیریت و سطح و نرخ رشد اندازه‌ی شرکت است.
- ۳- مطلوبیت یا رفاه مدیران به رضایت سهامداران از عملکرد شرکت بستگی دارد، به طوری که با فرض ثبات سایر عوامل، هر چه سهامداران راضی‌تر باشند، امنیت شغلی، مقام، سود و پاداش مدیران بیشتر خواهد بود.

۴- رضایت سهامداران شرکت به ثبات نرخ رشد سود بستگی دارد.

با فرض استحکام قضایای فوق می توان استنباط نمود که مدیران سود سالانه را به منظور حفظ موقعیت شان هموار می سازند. برای مثال ویزیچ (۱۹۸۸) با بررسی عملکرد قیمت سهام، دریافت که تعویض هیأت مدیره بیشتر در سالهایی صورت می گیرد که سود حسابداری کمتر از سال گذشته است. بنابراین ممکن است زمانی که سود شرکت زیاد است مدیران با دست کاری آن را کاهش دهند تا سال آینده با کاهش نسبی سود روبرو نشوند و یا زمانی که سود کمتر از گذشته است با دستکاری آن را افزایش دهند.

بلکوئی (۱۹۸۴) نیز دو هدف اصلی برای هموارسازی مطرح نموده است:

۱. افزایش قابلیت اتکاء پیش بینی هایی که براساس سری های سود هموار شده، صورت می گیرد.
 ۲. کاهش عدم اطمینان ناشی از نوسانات سود و به خصوص کاهش ریسک سیستماتیک، از طریق کاهش همبستگی بازدهی شرکت با بازدهی بازار.
- بیدلمن (۱۹۷۳) معتقد است مدیریت دو انگیزه برای هموار نمودن سود گزارش شده دارد. اول آن که پدید آمدن یک جریان باثبات سود بر ارزش سهام شرکت اثر مساعد دارد، ریسک شرکت را کاهش می دهد و در قیاس با فرایندهای بی ثبات، توان بیشتری برای حمایت از سود سهام فراهم می گردد. وی بیان کرد، تا آنجا که نوسانات سود گزارش شده، انتظارات ذهنی سرمایه گذار را نسبت به نتایج احتمالی سود و سود سهام آتی تحت تأثیر قرار می دهد، مدیریت ممکن است با هموارسازی سود بتواند بر ارزش سهام شرکت اثر مساعد داشته باشد. بیدلمن دومین انگیزه را برای هموارسازی، توانایی مقابله با ماهیت ادواری بودن سود و کاهش احتمالی همبستگی بازدهی مورد انتظار شرکت با بازدهی مجموعه ی بازار می داند و بیان می کند که، تا آنجایی که عادی شدن موفقیت آمیز است و تا میزانی که سرمایه گذاران کاهش کواریانس بازدهی سهم و بازده بازار را تشخیص داده و در فرایند ارزشیابی شان دخالت می دهند، هموارسازی روی ارزش سهام، اثرات سودمندی خواهد داشت.

گستره و انواع هموارسازی سود

آقائی و کوچکی (۱۳۷۵) در تحقیق خود در ارتباط با انواع هموارسازی سود بیان می‌دارند که پهنه‌ی هموارسازی سود شامل روش‌هایی است که برای انجام آن به کار گرفته می‌شود. هموارسازی سود را از جهتی می‌توان به دو نوع زیر دسته بندی نمود:

۱- هموارسازی طبیعی سود^۹

۲- هموارسازی عمدی سود^{۱۰}

هموارسازی طبیعی سود:

نوعی هموارسازی است که به‌طور طبیعی در فرایند سودآوری شرکت انجام می‌گیرد. هموارسازی طبیعی، بیانگر این است که فرآیند سود به‌طور ذاتی تولید کننده‌ی جریان هموار شده‌ی سود باشد و از اقدام‌ها و تصمیم‌های مدیریت ناشی نمی‌شود.

رانن و سادن (۱۹۸۱) بیان می‌کنند در این نوع هموارسازی سود، فرایند ایجاد سود یک جریان هموار را پدید می‌آورد. به عبارت دیگر، به‌طور طبیعی بدون هرگونه قصد آگاهانه‌ی مدیران برای تنظیم نوسانات سود، اتفاق می‌افتد. ممکن است ابزار هموارسازی و سود ایجاد شده ناشی از عملیات، به‌طور طبیعی یا کنترل نشده باهم حرکت کنند.

برای مثال، در سال‌های رکورد و کساد، هزینه‌هایی که از لحاظ فنی با حجم تولید ارتباط دارند، کاهش می‌یابد. به این ترتیب یک نوسان نزولی در سود شکل می‌گیرد، اما آیا کاهش هزینه‌ای که اثر ظاهری هموارسازی دارد، نتیجه‌ی ذاتی در حجم است یا به‌دلیل تعدیل عمدی سری‌های سود؟ پاسخ این سوال روشن نیست (آقائی و کوچکی، ۱۳۷۵).

هموارسازی عمدی سود:

هموارسازی عمدی، به اعمال و اقدام‌های مدیریت نسبت داده می‌شود. به عبارت دیگر هموارسازی عمدی اقدام‌هایی است که توسط مدیریت برای تغییر دادن سود انجام می‌شود. هموارسازی عمدی به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱- هموارسازی واقعی^{۱۱}

هموارسازی واقعی به عنوان تلاش‌هایی توسط مدیریت که جهت پاسخ به شرایط اقتصادی انجام می‌پذیرد، تفسیر می‌شود. هموارسازی واقعی می‌تواند روی جریان نقدی تأثیر گذارد. اگر تقاضا برای محصول افزایش یابد نتیجه افزایش در فروش و به دنبال آن افزایش در سود است. این نشانی از کنترل وقایع اقتصادی است که به طور مستقیم روی سود آتی تأثیر می‌گذارد، به همین جهت هموارسازی واقعی نامیده می‌شود.

۲- هموارسازی ساختگی^{۱۲}

هموارسازی ساختگی بیانگر کوشش و تلاش تعمدی و آگاهانه است که نوسان جریان سود را به طور ساختگی کاهش می‌دهد. هموارسازی ساختگی به معنای دست‌کاری حسابداری است که توسط مدیریت برای هموارسازی سود انجام می‌شود. این دست‌کاری حاصل وقایع اقتصادی نبوده و روی جریان نقدی نیز تأثیر نمی‌گذارد، اما هزینه و یا درآمدها را از یک دوره به دوره بعد انتقال می‌دهد.

روش‌های هموارسازی سود

گستره هموارسازی حسابداری به واقعی و مصنوعی محدود نمی‌گردد. ادبیات حسابداری بُعد سوم هموارسازی را تحت عنوان هموارسازی از طریق طبقه بندی معرفی می‌نمایند. بارنی و همکاران (۱۹۷۶) سه بعد هموارسازی را به صورت زیر بیان کرده اند:

هموارسازی از طریق زمان بندی رویدادها: زمان بندی رویدادها یک انتخاب مدیریت تا یک انتخاب حسابداری است. مدیریت برای هموار کردن سود، رویدادهای اتفاق افتاده را مثلاً ثبت فروش به عنوان یک پیش دریافت، در زمان خود، شناسایی و ثبت نمی‌کند و به سال‌های دیگر انتقال می‌دهد. در این روش مدیران در سال‌هایی که قصد دارند سودشان کمتر شود فروش‌های آخر سال مالی را دیرتر شناسایی می‌کنند تا این فروش‌ها در سال آتی ثبت شود و در نتیجه، درآمدهای سال جاری کمتر گزارش شوند، یا می‌تواند از طریق شناسایی هزینه‌های مربوط به آغاز سال آتی در سال جاری، هزینه‌های سال جاری را بیشتر شناسایی کند تا سود سال جاری کمتر شناسایی شود، یا در سال‌هایی که قصد دارد سود بیشتری را گزارش کند، دقیقاً عکس

حالت قبل رخ می‌دهد و درآمدهای سال آتی را در سال جاری و زودتر شناسایی می‌کنند یا هزینه‌های سال جاری را به سال بعد انتقال می‌دهند.

هموارسازی از طریق انتخاب روش‌های تخصیص: بعضی از روش‌های حسابداری، منجر به سودهای هموار می‌شوند. برای نمونه در شرکت‌ها، اگر هزینه‌ی استهلاک براساس ساعت کارکرد یا تعداد تولید محاسبه شود، هر قدر ساعات کارکرد و تعداد تولید بیشتر باشد هزینه‌ی استهلاک نیز به همان نسبت بیشتر خواهد بود. پس هر قدر میزان درآمد یا فروش بیشتر شود، هزینه‌ها هم بیشتر خواهد بود و سود نیز با روندی ثابت تغییر خواهد کرد. ولی اگر هزینه‌ی استهلاک براساس یکی از روش‌های خط مستقیم یا نزولی محاسبه شود، هزینه‌ی استهلاک محاسبه شده با میزان درآمد یا فروش مرتبط نیست و سبب ناهمواری در سود می‌شود.

از بین روش‌های نگه‌داری موجودی‌ها و روش‌های ذخیره‌گیری حساب‌های دریافتی، روش‌های دارای دیدگاه سودزبانی با میزان فروش مرتبط هستند. پس مدیریت می‌تواند با انتخاب روش‌های حسابداری که بر سود هموار مؤثرترند نسبت به هموارسازی سود اقدام نماید. هموارسازی سود از طریق طبقه‌بندی رویدادها: مدیران از طریق طبقه‌بندی رویدادها دست به هموارسازی سود می‌زنند. به‌عنوان نمونه، عادی یا غیرعادی تلقی کردن برخی اقلام سود و زیان منجر به افزایش یا کاهش سود عملیاتی خواهد شد.

پیشینه تحقیق

ترومن و تیمن (۱۹۸۸) در تحقیق خود بیان می‌کنند که مدیران شرکت‌ها عموماً با هموارسازی سود سر و کار دارند و اقداماتی را انجام می‌دهند تا نوسانات سود گزارش شده را کاهش دهند. آن‌ها در ادامه‌ی پژوهش خود بیان کردند که یکی از انگیزه‌های مدیران برای انجام چنین عملی این است که مدیران عقیده دارند که سرمایه‌گذاران به شرکت‌هایی که سود هموارتری را گزارش می‌کنند اعتماد بیشتری داشته و چنین شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری بیشتری را صورت می‌دهند. از دیدگاه سرمایه‌گذاران هر چه میزان واریانس سودهای اقتصادی کمتر باشد، ارزش شرکت بیشتر خواهد بود و از آن‌جا که هموارسازی میزان تغییر سودها را کاهش می‌دهد، لذا سبب افزایش ارزش شرکت از دید سرمایه‌گذاران خواهد شد. به‌طور کلی ترومن

و تیمن در پژوهش خود، انگیزه‌ی هموارسازی سود از جانب مدیران را، کاهش نوسانات سود گزارش شده برای سرمایه‌گذاران و در مقابل افزایش ارزش شرکت می‌دانند.

بریشا و الدین (۱۹۹۸) در تحقیق خود هموارسازی سود را اقدامی داوطلبانه می‌دانند که مسائل محیطی و رفتاری درون شرکت، سبب آن می‌شود. بریشا و الدین در مقاله‌ی خود این فرضیه را مطرح می‌کنند که در صورت نبود هموارسازی امکان افزایش تغییرپذیری سود گزارش شده، افزایش می‌یابد. آن‌ها یافته‌های خود را به این صورت تفسیر می‌کنند که وجود تفاوت‌های مبادله‌ای در هر یک از جریان‌ات سود (سود عملیاتی و سود ویژه) منجر به ایجاد نوسانات بیشتر خواهد شد. هم‌چنین تغییرات در سود عملیاتی مهم‌تر و بیشتر از تغییرات سود ویژه می‌باشد که این یافته با این مسأله که چرا شرکت‌های انگلیسی تفاوت‌های مبادله‌ای را در سود بعد از مالیات منظور می‌نمایند، سازگار است.

میچلسون، واگنر و ووتون (۱۹۹۹) رابطه بین هموارسازی سود و عملکرد بازار را در بورس اوراق بهادار نیویورک مورد آزمون قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد شرکت‌هایی که سودشان را هموارسازی می‌کنند، میانگین بالاتری از بازده‌های غیرعادی سالانه در مقایسه با سایر شرکت‌ها داشته و ارزش بالاتری دارند.

هانت و همکاران (۲۰۰۰) در تحقیقی رابطه‌ی بین نوسان‌های سود، مدیریت سود و ارزش سهام را بررسی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از این بود که هموارسازی سود به تقویت رابطه‌ی سود و قیمت سهام منجر می‌شود. آن‌ها در تجزیه و تحلیل یافته‌های خود بیان می‌کنند که هموارسازی سود، سطح آگاهی‌دهندگی سودها را افزایش می‌دهد.

بائو و بائو (۲۰۰۴) در تحقیقی باعنوان هموارسازی سود، کیفیت سود و ارزش شرکت به بررسی رابطه میان هموارسازی سود با کیفیت آن و ارزش شرکت پرداختند. نتایج تحقیقات آنان حاکی از این بود که شرکت‌هایی که اقدام به هموارسازی با کیفیت سود خود می‌کنند دارای بیشترین ارزش و شرکت‌هایی که دست به هموارسازی بی‌کیفیت می‌زنند، کمترین ارزش را در بازار بورس دارا هستند.

میچلسون و واگنر (۲۰۰۴) در تحقیقی به بررسی واکنش بازار سرمایه در برابر هموارسازی سود با در نظر گرفتن نوع صنعت و اندازه‌ی شرکت پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که:

۱- شرکت‌هایی که به هموارسازی سود اقدام کرده‌اند، نسبت به شرکت‌های مشابه بازدهی بیشتری دارند.

۲- بازدهی غیرعادی شرکت‌های کوچک از بازدهی غیرعادی شرکت‌های بزرگ، بیشتر است.

۳- بین نوع صنعت و هموارسازی سود رابطه‌ی بااهمیتی وجود دارد.

تا کر و زاروین (۲۰۰۶) در تحقیقی باعنوان این که آیا هموارسازی سود محتوای اطلاعاتی سود را افزایش می‌دهد؟ به بررسی اثر هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی آن پرداختند. براساس نتایج این تحقیق، هموارسازی منجر به افزایش محتوای اطلاعاتی سود می‌شود و سود هموار شده، اطلاعاتی در مورد سود، جریان‌های نقدی و ارقام تعهدی آتی ارائه می‌نماید.

چن (۲۰۰۹) در تحقیقی باعنوان هموارسازی سود، عدم اطمینان اطلاعاتی، بازده سهام و هزینه سرمایه بر بررسی اثر هموارسازی سود بر عدم اطمینان اطلاعاتی، بازده سهام و هزینه سرمایه پرداخت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هموارسازی سود منجر به کاهش عدم اطمینان اطلاعاتی واحد تجاری می‌شود. از دیگر شواهد این تحقیق این است که بازار، هموارسازی سود را ارزش‌گذاری کرده و پاداشی را برای واحدهای تجاری هموارکننده‌ی سود در نظر می‌گیرد، به طوری که واحدهای تجاری هموارساز سود به طور معناداری بازده غیرعادی بالایی را در بازه زمانی اعلام سود دارند. در نهایت، هموارسازی سود هزینه سرمایه واحد تجاری را کاهش می‌دهد.

حبیب و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیقی باعنوان عدم اطمینان محیطی و ارزش‌گذاری بازار هموارسازی سود به بررسی واکنش بازار سرمایه به سودهای هموار شده در شرکت‌هایی که در یک محیط با عدم اطمینان بالا فعالیت می‌کنند، پرداختند. نتایج پژوهش آنان حاکی از آن بود که قیمت جاری سهام شرکت‌هایی که در یک محیط با عدم اطمینان بالا فعالیت می‌کنند، اطلاعات بیشتری را در ارتباط با سودهای آتی شرکت‌ها ارائه می‌کند. به عبارت دیگر این محققین از محتوای اطلاعاتی داشتن هموارسازی سود حمایت می‌کنند.

چی یانگ و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیقی به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و هموارسازی سود در بورس اوراق بهادار شانگهای در طول دوره ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۶ پرداختند؛ نتایج

تحقیق آنها نشان داد که شرکت‌هایی با تعداد اعضای غیرموظف زیادتر میل به هموارسازی بیشتری دارند. ضمناً نتایج نشان داد سایر متغیرهای حاکمیت شرکتی مانند اعضای هیئت مدیره، کمیته حسابرسی و حسابرس مستقل تأثیری بر هموارسازی سود ندارد.

در چند سال اخیر در داخل کشور نیز پژوهش‌های زیادی روی جنبه‌های مختلف هموارسازی سود انجام گرفته که در ذیل به صورت خلاصه به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود.

نگاره (۱): خلاصه‌ای از پژوهش‌های اصلی انجام شده در زمینه هموارسازی سود در ایران

نویسندگان	سال	عنوان تحقیق	نتیجه تحقیق
قائمی، قیطاسی و کوچکی	۸۲	تأثیر هموارسازی سود بر بازده سهام	هموارسازی نمی‌تواند عامل مؤثر بر بازده سهام شرکت‌ها باشد، اما اندازه شرکت اثر با اهمیتی دارد.
نورانی حسین	۸۲	تأثیر هموارسازی سود بر بازده	هموارسازی سود هیچ تأثیر معناداری در کسب بازده شرکت‌های پذیرفته شده در بورس ندارد.
نوروش و سپاسی	۸۴	بررسی رابطه ارزش‌های فرهنگی با هموارسازی سود	رابطه میان ارزش‌های فرهنگی با هموارسازی سود در ایران نشان داد که عوامل فرهنگی نقش تعیین کننده‌ای در هموارسازی سود در ایران دارند.
پورحیدری و افلاطونی	۸۵	بررسی انگیزه‌های هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران	مالیات بر درآمد و انحراف در فعالیتهای عملیاتی از انگیزه‌های مهم هموارسازی و اندازه شرکت و قراردادهای بدهی از اهمیت چندانی برخوردار نیستند.
ملانظری و کریمی	۸۶	بررسی ارتباط هموارسازی سود با اندازه شرکت، نوع صنعت و اهرم مالی	بین اندازه شرکت و هموارسازی سود همبستگی قوی مثبت وجود دارد. همچنین تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین شرکت‌های هموارساز سود از نظر نوع صنعت وجود ندارد.
حقیقت و رایگان	۸۷	نقش هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی سود در پیش بینی سودهای آتی	بین سود و بازده‌های جاری و آتی شرکت‌هایی که بیشتر هموارسازی می‌کنند، قصد تحریف وجود دارد.

نویسندگان	سال	عنوان تحقیق	نتیجه تحقیق
اعتمادی، حسین و جوادی مژده محمدعلی	۸۹	عوامل مؤثر در ارتباط بین هموارسازی سود و سودآوری شرکتها	میزان سودآوری شرکتها بر هموارسازی سود آنها تأثیرگذار است. این موضوع ممکن است از این واقعیت ناشی شده باشد که وجود نوسان در جریان سود، تأثیر نامطلوب شدیدی بر این نوع شرکتها دارد.
انصاری و خواجهی	۸۹	بررسی ارتباط هموارسازی سود با قیمت بازار سهام و نسبت‌های مالی	هموارسازی سود باعث افزایش در قیمت بازار سهام شرکتها می‌شود و نسبت‌های جاری، پوشش بهره و بازدهی حقوق صاحبان سهام با هموارسازی سود همبستگی منفی دارد.
دموری، عارف منش و عباسی	۹۰	بررسی رابطه بین هموارسازی سود، کیفیت سود و ارزش شرکت	سرمایه‌گذاران برای شرکت‌های هموارساز سود با کیفیت، بالاترین ارزش و برای شرکت‌های غیر هموارساز سود بدون کیفیت، کمترین ارزش را قائل هستند.
سلیمانی امیری و حمزی	۹۰	اثر هموارسازی سود بر اطلاعات نامطمئن، بازده سهام و هزینه سهامداران	هموارسازی سود به کاهش اطلاعات نامطمئن در شرکتها منجر می‌شود و با کنترل نوسان حاصل از سودهای غیر منتظره و سایر ویژگی‌های شرکت، هموارسازی سود هیچ اثری بر بازده سهام شرکتها ندارد.
حجازی، قیطاسی و کریمی	۹۰	هموارسازی سود و عدم اطمینان اطلاعاتی	بین هموارسازی سود و عدم اطمینان اطلاعاتی واحد تجاری رابطه‌ی منفی معناداری وجود دارد.
اعتمادی و سلوری	۹۱	بررسی اثر هموارسازی سود بر جریان نقدی و سود دوره آتی؛ با توجه به دو متغیر نوع صنعت و اندازه شرکت	هموارسازی در گروه‌های مختلف تفکیک شده بیشتر به قصد تحریف و نه به قصد انتقال اطلاعات صورت می‌گیرد.
جهانشاد و امیری	۹۲	مقایسه متغیرهای حسابداری در شرکت‌های هموارساز و غیر هموارساز سود یا استفاده از شاخص رفتار هموارسازی موسز (Moses)	متغیرهای اندازه شرکت، هزینه کارکنان، مالیات و پاداش مدیریت تأثیرگذار بر رفتار هموارسازی سود شرکتها نمی‌باشند. همچنین متغیرهای نسبت بدهی و صنعت عاملی تأثیرگذار بر رفتار هموارسازی سود شناخته شدند.

خلاصه و نتیجه گیری

سود خالص به عنوان آخرین مبلغ صورت سود و زیان، یکی از مهمترین معیارهای ارزیابی عملکرد شرکت محسوب می‌گردد که همواره مورد توجه به ویژه استفاده کنندگان صورت‌های مالی نظیر سرمایه گذاران، تحلیلگران مالی و سهامداران قرار می‌گیرد. سرمایه گذاران بر این عقیده اند که سود با ثبات در مقایسه با سود دارای نوسان، پرداخت سود تقسیمی بالاتری را تضمین می‌کند. علاوه بر این، نوسان‌های سود به عنوان معیار مهم ریسک کلی شرکت قلمداد می‌شود و شرکت‌های دارای سود هموارتر دارای ریسک کمتری هستند. از این رو شرکت‌ها بی‌که دارای سود همواری هستند، بیشتر مورد علاقه سرمایه گذاران بوده است. از نظر آنها چنین شرکت‌هایی محل مناسب‌تری برای سرمایه‌گذاری محسوب می‌شوند. مدیران با شناخت محدودیت‌های اصول پذیرفته شده‌ی حسابداری سودهای گزارش شده را هموار می‌سازند تا قابلیت اتکا بر مبنای سری سودهای هموار را افزایش دهند و جریان‌های نقدی مورد انتظار آتی سهام‌داران حاصل گردد.

مفاهیم سود در رویکرد عمل‌گرایانه^۷ به آثار رفتاری ناشی از گزارش‌های مالی توجه دارند. هموارسازی سود نیز از آن جمله است. یعنی مدیریت با بهره‌گیری از روش‌های گوناگون حسابداری، سعی دارد سودها را یکنواخت گزارش نماید. در تشریح انگیزه‌های هموارسازی سود، باید عنوان کرد که هموارسازی، واریانس سودهای مشاهده شده را می‌کاهد و بدین ترتیب هزینه‌ی استقراض شرکت را کاهش می‌دهد و بر روابط میان شرکت و مشتریان، فروشندگان و کارکنان اثر مساعد دارد.

پهنه‌ی هموارسازی سود شامل روش‌هایی است که برای انجام آن به کار گرفته می‌شود. هموارسازی سود را از جهتی می‌توان به دو نوع هموارسازی طبیعی و هموارسازی تعدلی سود دسته بندی نمود. هموارسازی تعدلی نیز به دو دسته، هموارسازی واقعی و هموارسازی ساختگی تقسیم می‌شود. گستره هموارسازی حسابداری به واقعی و مصنوعی محدود نمی‌گردد. ادبیات حسابداری بُعد سوم هموارسازی را تحت عنوان هموارسازی از طریق طبقه بندی معرفی می‌نمایند.

منابع

- اعتمادی، حسین. و محمدعلی جوادی مزده. (۱۳۸۸). «عوامل مؤثر بر ارتباط بین هموارسازی سود و سودآوری شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران». *حسابدار رسمی*، صص ۱۳۴-۱۳۰.
- اعتمادی، حسین، سلوری، مهران. (۱۳۹۱). بررسی اثر هموارسازی سود بر جریانات نقدی و سود دوره آتی؛ با توجه به دو متغیر نوع صنعت و اندازه شرکت، *پژوهشهای تجربی حسابداری مالی*، سال دوم شماره ۳، پیاپی (۵)، صص ۴۵-۲۹.
- انصاری، عبدالمهدی و حسین خواجه‌جو. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط هموارسازی سود با قیمت بازار سهام و نسبت‌های مالی. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، شماره ۲، صص ۵۰-۳۳.
- آقائی، محمدعلی و حسن کوچکی. (۱۳۷۵). گمانه‌هایی پیرامون نمایش سود. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۱۴ و ۱۵، صص ۴۹-۳۲.
- بهارمقدم، مهدی، حسینی، شهامت. (۱۳۹۱). بررسی واکنش بازار سرمایه به هموارسازی سود در شرایط عدم اطمینان محیطی، *پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان*.
- پورحیدری، امید و عباس افلاطونی. (۱۳۸۵). بررسی انگیزه‌های هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۴۴، صص ۷۰-۵۵.
- حجازی، رضوان، قیطاسی، روح اله و محمدباقر کریمی، (۱۳۹۰)، هموارسازی سود و عدم اطمینان اطلاعاتی، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۱۵، شماره ۵۴، صص ۳۳-۴۶.
- حقیقت، حمید و احسان رایگان. (۱۳۸۷). نقش هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی سودها در خصوص پیش‌بینی سودهای آتی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۵۴، صص ۳۳-۴۶.
- رحمانی، علی و بشیری منش، نازنین، بررسی اثر هموارسازی سود بر آگاهی بخشی قیمت سهام. *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، شماره سوم (پیاپی ۹)، صص ۵۴-۳۹.
- رستگار پویانی، مجید. (۱۳۸۷). بررسی رابطه‌ی بین ویژگی‌های شرکت و پایداری سود با کیفیت اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز*.
- سلیمانی امیری، غلامرضا، و راضیه حمزی (۱۳۹۰)، اثر هموارسازی سود بر اطلاعات نامطمئن، بازده سهام و هزینه سهامداران، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۱۸، شماره ۶۴، صص ۵۴-۳۹.
- قائمی، محمد حسین، قیطاسوند، محمود و کوچکی، محمد. (۱۳۸۲). تأثیر هموارسازی سود بر بازدهی سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۳۳.

- Ashari, N. , H. C. Koh, S. L. Tan and W. H. Wong. (1994 (" Factors affecting income smoothing among listed companies in Singapore". *Accounting and Business Research*. 24: 291–301.
- Bao, B. and D. Bao. (2004 (" Income smoothing , earnings quality and firm valuation". *business Finance and Accounting*. 31: 9-10
- Barnea, A. , J. Ronen and S. Sadan.) 1976 .) " Classificatory smoothing of income with extraordinary items". *The Accounting Review*. pp: 110- 122.
- Beidleman, C. R. (1973) " Income Smoothing: The Role of Management". *The Accounting Review*. 48: 653-667.
- Belkaoui, A. , and R. D. Picur. (1984 ("The smoothing of income numbers: some empirical evidence on systematic difference between core and periphery industrial sectors". *Business Finance and Accounting*. 11: 527–45.
- Brayshaw RE, Eldin AEK. "The smoothing hypothesis and the role of exchange differences". (1989) , *Journal of Business Finance and Accounting*;16 (5): 621–33.
- Chen, L. H. (2009). "Income Smoothing, Information Uncertainty, Stock Returns, and Cost of Equity". *Working Paper, Arizona*.
- Collins, D. W. , Kothari, S. P. , Shanken, J. , and Sloan, R. , (1994) ," Lack of timeliness and noise as Explanations for the low contemporaneous return-earnings association", *Journal of Accounting and Economics (18)* , pp. 289–324.
- Copeland, R. M. (1968). "Income smoothing". *Journal of Accounting Research. Supplement. No 6*.
- Dasher, P. and R. Malcom. (1970). "A note on income smoothing in chemical industry", *Journal of Accounting Research*.
- Gordon, M. J. (1964). "Postulates, principles and research in accounting". *The Accounting Review*. 39: 80-100.
- Habib, A. , M. Hossain and H. Jiang. (2011). "Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting". *Advance Accounting*. 27: 256-265.
- Hendriksen, E. S. and M. F. VanBreda. (1992). " Accounting theory". 5th ed. IRWIN, Homewood, Boston.
- Hepworth, S. R. (1953). "Smooth Period Income". *The Accounting Review*. 12: 32-39.
- Hunt, A. , Moyer, S. and Shevlin, T. (2000). "Earnings volatility, earnings management, and equity value". Working paper, University of Washington.
- Imhoff, E. A. (1977). "Income smoothing a case for doubt". *The Accounting*. 1: 85-100.
- Moses, O. D. 1987. "Income smoothing and incentives: empirical tests using accounting changes". *The Accounting Review*. 11: 358–77.
- Ronen, J. and sadan, S. (1976). "Ups and downs of income numbers Inter-temporalsmoothing", *Proceeding on Topical Research in Accounting*. pp: 286-316.
- Ronen, J. and Sadan, S. (1981). "Smoothing income numbers: Objectives, means, and implications". Boston, MA: *Addison Wesley Publishing Company*.

- Schiff, M. (1966). "Accounting tactics and the theory of the firm". Journal of Accounting Research, Spring.
- Trueman, B. and Titman, S. (1988). "An explanation for accounting income smoothing". Journal of Accounting Research. 26: 127-39.
- Tucker, J. F. and P. Zarowin. (2006). "Does income smoothing improve earnings informativeness? ". The Accounting Review. 81: 251-270.
- Wesibach, M. 1988. " Outside directors and CEO turnover". Journal of Financial Economics. No, 20.
- Yang, C , Leing, B and Ding, T. (2010) "Corporate governance and income smoothing in China" Journal of Financial Reporting and Accounting. <http://dx.doi.org/10.1108/19852511211273688>

